

دوازدهمین منبر محرم 1443؛ موضوع: احکام شرعی و ادامه بحث اصول اخلاق اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيًّا و حَافِظاً و

قَائِداً و نَاصِراً و دَلِيلاً و عَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

جهت تعجیل در ظهورش و سلامتی وجود نازنینش از هر گزندی صلوات ختم بفرمایید...

سوالاتی شده و چون شب آخری هم هست که محضر شما هستم این سوالات را جواب دهیم و بحث را به اتمام

برسانیم؛ یکی از آقایان سوال کردند راجع به سبحان الله ، یکی می توان گفت یا سه بار باید گفت؟

نمی دانم منظورشان تسبیحات اربعه است یا ذکر رکوع و سجده... من هر دو را عرض می کنم شما که مطلعید ولی شاید جوانها برایشان برخی احکام جدید باشد... در رکوع که مستحضرید باید سه بار سبحان الله گفته شود، و سجده سبحان الله، سبحان الله ، سبحان الله یا یک بار بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده یا یک بار بگوید سبحان ربی الاعلی و بحمده اما اگر یک بار گفت سبحان الله کافی نیست و سه بار باید بگوید... این راجع به ذکر رکوع و سجده اما راجع به تسبیحات اربعه، سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر می گویند برای کسی که عجله دارد یک بار هم بگوید کافی است ولی این کار را معمولاً نمازگزاران نمی کنند و سه بار می گویند و کار خوبی هم هست چون برخی فقها می گویند سه بار باید بیان شود و واجب این است که سه بار بیان شود... پس این ذکر را هم سه بار بگوید اگر یکبار هم گفت و عجله داشت، اشکال ندارد....

حالا که بحث سبحان الله شد باید گفت از آن ذکرهای سفارشی همین تسبیحات اربعه است حتی در جلسات یا در مهمانی ها... چون این ذکر همه چیز در آن است سبحان الله است که یعنی خداوند از هر عیبی منزّه است و الحمد لله است که شیخ الاذکار است؛ و سپاس خداست و کمتر ذکری است که به پای آن میرسد و لا اله الا الله

است که شعار توحید است الله اکبر در آن است که می خواهد بگوید از همه چیز بزرگتر است و نمی توان او را توصیف کرد.... جمله کوتاه اما معنا موسع و عالی است

بتوانید هر روز این ذکر را بیان کنید خوب است. مطلب دوم راجع به احترام به بزرگترهاست اصل احترام نه فقط به بزرگتر میدانید ما در اسلام به گونه ای تربیت شده ایم که به هر چه هست و هستی دارد ، احترام کنیم؛ انسان که جای خود دارد حال اگر این انسان بزرگتر باشد، و ذوی الحقوق باشد مثل معلم ، پدر و مادر و دانشمند که جای خود دارد، از کارهای خوبی که در دنیا اثر خودش را نشان میدهد احترام به بزرگ تر هست؛ گاهی انسان یک کار خوب انجام میدهد و اثر آن را در برزخ می بیند اما گاه یک کار خوب انجام میدهد اما از بس بزرگ و سنگین است ثواب آن به آخرت منتقل می شود اما از جمله کارهای خوبی که اثر آن در دنیا ظاهر میشود احترام به بزرگتر است یا پدر و مادر ... بزرگانی بودند که صرفاً یک ساعت از محضر بزرگی استفاده کرده اند اما تا عمر داشتند او را اکرام کرده اند... شما ممکن است آقای پزشک باشید و استاد دانشگاه باشید و یادتان نرود که برای معلممان همچنان کلاس اولی هستیم ؛ ممکن است خیلی ناممان بلند باشد ما برای پدر و مادر همچنان همان فرزند کوچک هستیم...

و یک نکته ای هم که به دلیلی لازم شد این جا تذکر دهم این که همانطور که انسان زنده حرمت دارد و نباید غیبت او را کرد و به او تهمت زد؛ یک انسان متوفی هم به همین شکل باید مواظب بود که او را غیبت نکرد و پشت سر او حرف نزد.... بدن میت هم احترام دارد و نباید برای این که وضعیت او را درست کرد، استخوان او را شکست باید به همان شکل هست دفن شود....

یا در رابطه با تشریح بدن میت و یا برداشتن عضوی از بدن او باید توجه داشته باشیم که تشریح بدن او وقتی جایز است که خود میت وصیت کرده باشد یا این که یقین داشته باشیم راضی است.... یا این که کسی وصیت کند اگر فوت کردم خواستید عضوی از بدن من را به دیگری اهدا کنید ، اشکال ندارد در این صورت است که مشکلی نیست. البته برخی موافق نیستند و نکته دیگر این که بعضاً گفته می شود که پدر و مادر میت اجازه داده اند که

اعضای بدن میت اهدا شود این اشکال دارد چون بدن میت مال خود میت است و باید از قبل زمان حیات گفته باشد ...

البته گاهی وقتها میدانیم میت راضی است و از سوپی هم نجات یک انسان متوقف بر این کار است که در این صورت اشکال ندارد.

ادامه بحث اخلاق اجتماعی

دیشب عرض کردم یکی از مسائلی که در اخلاق اجتماعی، اخلاق با دیگران، این است که انسان کار دیگران را و گفته دیگران را بگذارد خودش تفسیر کنند.... این طور نباشد که طرف مقابل آن را تفسیر به رای کند....

یک شخصی خدمت امام کاظم علیه السلام آمد، و گفت: برخی از دوستان قابل اعتماد گفتند فلانی پشت سر شما حرف زده است، در حالی که خودش می گوید: من این حرف را نزده ام!... من چه کار کنم؟ امام فرمودند اگر پنجاه نفر هم آمدند و قسم خوردند که فلانی پشت سر شما حرف زده است و خودش می گوید من چیزی نگفتم، حرف این ها را باور نکن؛ و حرف خود این آقا را قبول کن....

چشمه یا گوشت را تکذیب کن نسبت به برادرت؛... فان شهد عندک خمسون قسامة ... فصدقه و کذبهم

و لذا ما در این باره داریم که حرف و قول دیگران را باید خودش تفسیر کنند؛ حتی برای آن ها عذر بتراشیم شاید این کمتر گفته شده باشد که انسان برای طرف مقابل عذر تراشی کند... مثلا ممکن است کسی پایش را جلوی من دراز کند اولین مطلبی که به ذهنمان میرسد این است که می گوئیم این بی احترامی کرده و پاهایش را دراز کرده است. و یک توجیه هم این است که پایش درد می کند و یا ممکن است یک توجیه هم این باشد که فلانی حواسش نیست که مثلا در محضر امام است و ...

امام صادق علیه السلام فرمودند برای لغزشهای طرف مقابل همسر، برادر و همکاران عذر بتراشید.... کارش را توجیه کنید و عجیب این جاست که هر چه به ما گفته اند کار خودت را توجیه نکن و اگر خطا کنی توجیه کنی بیچاره می شوی... ما برعکس عمل می کنیم برای کار خودمان توجیه داریم و برای کار دیگران نه حتی اجازه توجیه به خودش هم نمیدهیم ...

یا در جای دیگری گفته اند اگر عذری آورد از او قبول کنید... امام سجاد علیه السلام می فرمایند: اگر کسی به تو ناسزا گفت و دست راست تو بود و بعد آمد، دست چپ تو و عذر آورد، قبول کن

اولا بگذاریم خودش تفسیر کند دوم این که برایش عذر بتراشیم و سوم این که اگر عذر آورد، قبول کنیم... من یک سوال می کنم اگر این طور باشد چقدر جلوی طلاق ها گرفته می شود! چقدر جلوی بداخلاقی های سیاسی گرفته میشود... مخاطب من صرفا مردم نیستند رسانه و کارگزاران هم هستند

این به هم پریدن ها و به هم حمله کردن، به هم ناسزا گفتن، یکی از مسئولین کشور های غربی گفته بود من تعجب می کنم از ایران که حریم هم را نگه نمی دارند.... این ها ایجاد اختلاف و فاصله می کند؛ این معارف ماست و آن رفتار ماست. بحث هم چیزی نیست که آدم نفهمد فلسفه ملاصدرا که نیست!!!.... یک سفری به افغانستان رفته بودم راجع به قانون اساسی آن جا از ایران بنا بود دو نفر بروند که یکی بنده بودم دوستان ما در افغانستان، از اختلافات می گفتند و می گفتند در افغانستان گاه بین شیعه ها هم اختلاف است و می گفتند یک طرف خیابان با رمز یا زهرا به این طرف شلیک می کرد و آن طرف هم با رمز یا مهدی به این طرف شلیک میکرد البته من نمی گویم وضعیت فعلی محصول اختلافات است اما این ها هست ...

ما باید به مصالح نظام و کشور و مردم فکر کنیم و خود ماها در جامعه در خیابان و در خانه باید به جایی برسیم که این دادگاه ها را تار عنکبوت پر کند نه این که این همه به خاطر این اختلافات شلوغ باشد؛ سه کار باید بکنیم

اولا عهده دار تفسیر کار دیگران نشویم و اگر عذری آوردند قبول کنیم و اگر عذری نیاوردند خودمان برایشان عذرتراشی کنیم...

در بحثهای اخلاقی گاه جای عذرتراشی نیست؛ این جا نهایت این است که انسان از خطای طرف بگذرد... لذا بحثهای اخلاقی را باید مدیریت کرد و جوانب آن را دید...

در برنامه آفتاب شرقی در تلویزیون این بحث مفصل بررسی شده است... چهل و دو سه جلسه شد که این موضوع واکاوی شد...

عزیزان دین ما دین اهتمام به حقوق است یعنی بیشترین سفارش را به ما کرده راجع به شناخت و حفظ حقوق دیگران حالا یا مال باشد یا... مساله ای هست و آن این که آبی که انسان وضو می گیرد ، مکانی که انسان وضو می گیرد یا ظرفی که با آن وضو می گیرد نباید مال دیگران باشد... البته اگر راضی نباشند... دین اسلام این دین است دین رعایت حقوق است... گاه طرف با این که چیزی حقیقت نیست اما به دادگاه مراجعه می کند و شکایت... باید به این آدم گفت به فرض هم به مقصود برسی آیا این چیزی را که به دست می آوری حلال است؟! انسان جایی می رود که نه چک همراهش هست نه سفته و عریان است و کارت نمی گذارند ببری... باید در هر حال مراقب بود.

الحمد لله رب العالمین